



معرفی صحیح فیلسوفان مسلمان به جهان جهت پیشرفت غرب را تغییر می‌داد

استاد دانشگاه تهران با بیان اینکه فلسفه‌های سنی و صدرايي گوشه‌های پنهان بسیاری دارد، ضمن انتقاد از کوتاهی فیلسوفان معاصر در معرفی فیلسوفان اسلامی - ایرانی به جهان تأکید کرد: ممکن بود این معرفی صحیح، جهت پیشرفت جهان را تغییر دهد.

استاد دانشگاه تهران با بیان اینکه فلسفه‌های سنی و صدرايي گوشه‌های پنهان بسیاری دارد، ضمن انتقاد از کوتاهی فیلسوفان معاصر در معرفی فیلسوفان اسلامی - ایرانی به جهان تأکید کرد: ممکن بود این معرفی صحیح، جهت پیشرفت جهان را تغییر دهد.

ابراهیمی‌دینانی، استاد 77 ساله فلسفه

غلامحسین ابراهیمی دینانی، استاد دانشگاه تهران در پاسخ به این پرسش خبرنگار آیین و اندیشه فارس که آیا فلسفه یک سری مسائل عقلانی است که می‌تواند از پایه غلط یا درست باشد؟ تأکید کرد: بله، من نیز این نظر را تأیید می‌کنم؛ فلسفه علم نیست! وی ادامه داد: ریاضیات، فقه، اصول و فیزیک و ... علم است، فلسفه تعقل و استدلال است؛ مهارت در تعقل محسوب می‌شود و هیچ فلسفه‌ای حتی فلسفه فیلسوفان بزرگی مانند ارسطو و ابن سینا حجت نیست. اینان فیلسوف بودند به این معنی نیست که از فلسفه پیروی کنیم. در فلسفه پیروی وجود ندارد؛ کسی که فلسفه می‌داند فقط تعقل و قدرت فهمش بالا می‌رود. عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ادامه داد: امکان دارد فلسفه‌ای از بنیاد غلط باشد، عظمت فلسفه نیز از همین منظر است. اگر فلسفه مسئله‌ای مشخص بود، جنت‌مکان می‌شد. متأسفانه برخی فلسفه را بد می‌فهمند و فکر می‌کنند فلسفه یک علم است، باید نوع استدلال فلسفه آشنا شد نه اینکه لزوماً هر آنچه را که فیلسوف گفته قبول کنند.

* فلسفه غربی و شرقی ندارد

دینانی گفت: یکی از اشتباهات طرفداران فلسفه همین است. فلسفه ملاصدرا می‌خوانند فکر می‌کنند حرف‌های ملاصدرا وحی منزل است؛ البته خود ملاصدرا به هیچ وجه نمی‌خواست مردم اینطوری فلسفه‌اش را بخوانند فلسفه ملاصدرا را نیز باید خواند بعد نقد کرد. وی افزود: فلسفه قدرت استدلال است، فلسفه غربی و شرقی ندارد.

مؤلف کتاب «شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی» در پاسخ به این پرسش که شما نقش بسیار پررنگی به فلسفه ابن سینا در تمدن اسلامی دادید مبنی بر اینکه اگر ابن سینا را از تمدن اسلامی بگیریم چیزی از تمدن اسلامی باقی نخواهد ماند، تأکید کرد: رد پای ابن سینا در علوم مختلف اسلامی قابل پیگیری است، به طور مثال در علم اصول، خیلی از مبانی اصول از ابن سینا گرفته شده است، اگر ابن سینا نبود؛ علم اصول در این نقطه از قوت قرار نداشت. اگر امثال ابن سینا نبودند ما نیز مانند کشورهای منطقه درک سطحی از دین داشتیم.

* خود متفکران غربی نیز در سرانجام تمدن غربی که آیا به نفع بشریت است یا خیر، سؤال دارند

دینانی در پاسخ به این پرسش که چرا تمدن اسلامی رشد نکرده است و تمدن غربی رشد کرده است، گفت: البته این بحث بسیار مهم و دامنه‌داری است که نمی‌شود به صورت تلفنی به ابعاد مختلف آن پرداخت؛ البته از دو جهت می‌توان به رشد و ترقی که در جهان بعد از رنسانس اتفاق افتاده است نگاه کرد، از جهت نخست مانند فلسفه پست مدرنیستی این پرسش بزرگ را داشت مبنی بر اینکه مشخص نیست علوم جدید و پیشرفت به نفع بشریت باشد.

وی ادامه داد: به یک معنی پیشرفتی که در کشورهای غربی صورت گرفت شاید پیشرفت نبوده و انحراف باشد! زیرا از زمانی پیشرفت اتفاق افتاده است که تمدن جدید از کلیسا جدا شده است.

استاد دانشگاه تهران ادامه داد: اگر پیشرفت در غرب را مثبت ارزیابی کنیم، پیشرفت مورد نظر در غرب بعد از جدایی از کلیسا اتفاق افتاده است، این‌ها مبتنی بر مستندات تاریخی است نمی‌توان دروغ گفت.

وی گفت: اگر تمدن جدید را مثبت ارزیابی کنیم، ما عقب‌مانده هستیم اگر منفی ارزیابی کنیم معلوم نیست عقب مانده باشیم و در بررسی معارف عقلی و معنوی مگر ما از اروپا عقب مانده‌تر هستیم؟!

دینانی در پاسخ به این نکته که غربیان توانستند رفاه همگانی و آموزش عمومی را به نوعی برای نخستین بار و به طور تقریبی نهادینه کند، گفت: بعد رفاه دنیوی را در درست می‌گویید؛ البته کسب این رفاه توأم با رنج است.

وی در پاسخ به اینکه تمدن شرقی به نوعی دچار مشکلات تاریخی است؟ گفت: این جز مسائل مهمی است که باید توضیح داده شود به یک معنی از لحاظ دنیوی عقب‌مانده هستیم. شوخی نیست؛ غربیان کرات دیگر را فتح کردند. اما خود متفکران غربی نیز در سرانجام تمدن غربی که آیا به نفع بشریت است یا نه، سؤال دارند! مسائل مهم این است که ماهیت مدرنیته را نمی‌دانیم.

* حرف‌های متعالی ملاصدرا و ابن سینا همچنان مخفی مانده است

دینانی در مورد اینکه امروز یکی از چالش‌های جهان اسلام و غرب بر سر مسئله آزادی است؛ آیا مبحث آزادی در فلسفه اسلامی قابل تعریف است؟ گفت: در فلسفه اسلامی سخنان بسیار خوبی داریم که گفته نشده است، خود من نیز که ادعا دارم کم گفته‌ام! به تازگی علاقه‌مندان فلسفه فقط چند اصطلاح یاد می‌گیرند و بیان می‌کنند، این در حالی است که بسیار حرف‌های متعالی و خیلی بزرگ از فلاسفه اسلامی از جمله ملاصدرا و ابن سینا باقی مانده که همچنان پنهان مانده است.

عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه در پاسخ به این پرسش که آیا ممکن بود در صورت بازشناسی فیلسوفان اسلامی - ایرانی، روند توسعه و رشد جهان تغییر پیدا کند؟ خاطرنشان کرد: بله صد درصد! به طور مثال مثال #171؛ هانری کربن - که من یکی از شاگردان او محسوب می‌شوم و با او حشر و نشر داشته‌ام - با اینکه مرد بزرگی بود، ولی با فلاسفه اسلامی به اندازه خودمان آشنا نبود ولی با متد غربی خود در جهان بسیار تأثیرگذار بود.

* شیخ بهایی هیچ نقشی در فلسفه نداشته است

عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه در بخش دیگری از سخنان خود، در پاسخ به پرسشی درباره شیخ بهایی گفت: هیچ ربطی بین علوم عقلی شیخ بهایی و ملاصدرا وجود ندارد و شیخ بهایی هیچ نقشی در فلسفه نداشته است بلکه مهندس بوده و فقه و حدیث می‌دانسته است.

وی در پاسخ به این پرسش که سال گذشته در همایشی با نام شیخ بهایی یکی از محورهای مورد بحث رابطه شیخ بهایی با علوم عقلی بوده است، تصریح کرد: شیخ بهایی فقیه و عالم بود؛ فیلسوف نبود، به نوعی ضد فلسفه نیز بوده است حتی یک سطر و کلام فلسفی از او باقی نمانده است.

دینانی ادامه داد: اگر شیخ بهایی تأثیری در علوم داشته، در علوم نقلی، فقه و حدیث است و ملاصدرا نیز از او به عنوان استاد نقلی خود یاد کرده است.

وی در پاسخ به این پرسش که در دوران صفویه، ایران ارتباطاتی با اروپا پیدا کرد؛ آیا این ارتباطات تأثیری بر شیخ بهایی گذاشته است، تصریح کرد: شیخ بهایی با حساب و هندسه در حد آن زمان آشنا بود و هیچ‌گونه تأثیری از اروپا نگرفته است.

* ملتی که فلسفه دارد، دین را بهتر می‌فهمد

شاگرد امام خمینی(ره) در اصول، درباره اندیشه سیاسی شیخ بهایی - خلاف نظر استاد خود - گفت: به معنای امروز کلمه شیخ بهایی دارای اندیشه سیاسی مشخص نبوده است، اما به معنای امروز کلمه #171؛ آخوند درباری» بوده است البته خیلی از بزرگان گذشته آخوند درباری بودند و تنها ملاصدرا آخوند درباری نبود! ملاصدرا مانند دریای بزرگ بود، که تاریخ را عوض کرد.

مؤلف کتاب #171؛ دفتر عقل و آیت عشق» درباره ادعای سابق خود مبنی بر اینکه مشایی بودن ابن سینا یک دروغ شاخ‌دار است و ابن سینا یک اشراقی تمام عیار است، افزود: این نظر شخصی من البته مبتنی بر مدارک و مستندات است. یکی از گرفتاری امروز ما این است که تابع گذشتگان شده‌ایم و بدون کم و کاست نظر گذشتگان را می‌پذیریم، این در حالی است که اشتباهات بسیاری در تاریخ اتفاق افتاده است.

دینانی ادامه داد: ملتی که فلسفه دارد، دین را بهتر می‌فهمد و در مقایسه اجمالی دینداری ایرانیان و عربستان سعودی ما را به این نتیجه می‌رساند، دین ایرانیان از سرزمین سعودی‌ها - صرف نظر از شیعه و سنی بودن - آگاهانه‌تر و بهتر است.

مؤلف کتاب #171؛ نیایش فیلسوف» در مورد روند حرکات ضد فلسفی در جهان اسلام به خصوص افرادی نظیر #171؛ فخر رازی» بیان داشت: در اینکه فخر رازی ضد فلسفه بود، شکی نیست، اما فلسفه می‌دانست اگر آثار فخر رازی بررسی شود نشان می‌دهد که یک اعجوبه تاریخی است. او آدمی عقلانی بود و به ابن سینا نقدهایی داشت.

* #171؛ فخر رازی» ضد فلسفه اما عقل‌گرا و از هوشمندترین آدم‌های تاریخ است

دینانی ادامه داد: فخر رازی بر آثار ابن سینا شرح نوشته است، حرف‌هایی برای گفتن دارد و در جای خود فیلسوف متکلم بود، در پی حاکم کردن اشعریت بود؛ آدم بی‌اطلاعی نبود از هوشمندترین آدم‌های تاریخ است.

گفت‌وگو از: رحمت رضانی